

چارچوب نظری گردش نخبگان سیاسی شایسته و تأثیر آن بر ثبات سیاسی

مصطفی ملکوتیان^۱

استاد گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

عبدالحمید غلامی نیا

دکتری علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)

(تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۰ - تاریخ تصویب: ۹۲/۱/۵)

«من در میان شما باشم یا نباشم، نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامجرمان بیفتد.»
امام خمینی (ره)

چکیده

ثبات و آرامش از الزام‌های نظام‌های سیاسی است؛ به عبارتی هر نظام سیاسی برای دستیابی به اهداف خود، نیازمند ثبات است. از این رو، حفظ ثبات از جمله دغدغه‌های اصلی رهبران و حاکمان سیاسی است. هرچند عوامل متعددی در حفظ ثبات سیاسی مؤثر است، آنچه در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته، گردش نخبگان سیاسی شایسته است؛ به آن معنی که نخبگانی در چرخه مدیریت سیاسی قرار گیرند که ضمن برخورداری از توانایی و تخصص، از ایمان و تعهد به اصول اساسی و ارزشی که در این پژوهش تحت عنوان شاخص‌های شایستگی از آن یاد شده است، برخوردار باشند. واضح است که هر نظام سیاسی به گردش نخبگان معتقد و هم‌سنخ با خود نیاز دارد. تمرکز این مقاله روی گردش نخبگان شایسته در نظامی اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران است.

واژگان کلیدی

ثبات سیاسی، گردش نخبگان، نخبگان سیاسی، نخبگان سیاسی شایسته

مقدمه

مطالعه چگونگی استقرار ثبات سیاسی در پرتو گردش نخبگان سیاسی، مستلزم بررسی مؤلفه‌های هریک از این دو متغیر است. گرچه گردش نخبگان را می‌توان به‌طور جداگانه در هریک از مناطق خاص جغرافیایی یا در مقطعی خاص از تاریخ یک کشور بررسی کرد و به‌همین صورت نوسان‌های ثبات سیاسی را در زمان یا مکان خاصی سنجش و بررسی کرد، آنچه این پژوهش بر آن تأکید دارد، رابطه‌ی تعاملی کلی این دو متغیر است؛ به‌عبارت دیگر، این مقاله بر این اعتقاد است نوع نخبگانی که به مرور زمان وارد نظامی می‌شوند، در آینده تأثیری مستقیم بر سرنوشت آن نظام خواهد داشت.

گردش نخبگان سیاسی و شاخص‌های آن

گردش نخبگان سیاسی به‌لحاظ حساسیت و نقش تعیین‌کننده‌ای که در سلامت نظام سیاسی و مدیریتی به‌منظور تحقق اهداف و آرمان‌های نظام دارد، از اهمیت ویژه‌ای برای ایجاد ثبات سیاسی برخوردار است. نظر به اهمیت این موضوع، همواره دو بستر برای ورود عناصر سیاسی در چرخه‌ی سیاسی و مدیریتی در نظام‌های سیاسی مردم‌سالار آشکار است که نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از این امر مستثنا نیست.

الف) بستر اول، فعالیت‌ها و تحرکات سیاسی احزاب و تشکل‌های سیاسی است که تلاش می‌کنند عوامل و عناصر خود را به دو شکل ممکن وارد عرصه‌ی سیاسی و امور اجرایی کنند و مناصب حکومتی و به‌طورکلی قدرت سیاسی را به‌دست گیرند:

اول، از راه انتخابات و معرفی کاندیداهای مورد اعتماد خود از طریق کارویژه‌های تبلیغاتی گسترده؛ در صورت موفقیت در جریان انتخابات و ورود به عرصه‌ی سیاسی و اجرایی یا قانونگذاری، بسیاری از منصب‌های دولتی از صدر تا ذیل (پست‌های وزارتی، ادارات کل، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و...) در حوزه‌ی قدرت، سیاست و هدایت آنها قرار می‌گیرد.

دوم، چنانچه جناح‌ها و تشکل‌های سیاسی نتوانند در عرصه‌ی انتخابات پیروزی به‌دست آورند، تلاش می‌کنند از طریق واسطه یا مراوده با نخبگان حاکمیت، عناصر خود را در دستگاه‌ها و نهادهای سیاسی حکومت نفوذ دهند تا به نفع مواضع آنها عمل کنند.

امروزه در بسیاری از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران، این دو روند رایج است که گردش نخبگان را به‌گونه‌ای نشان می‌دهد. اما، آیا این نوع گردش، در بردارنده‌ی نخبگان سیاسی شایسته برای تحقق اهداف و آرمان‌های نظام و مورد انتظار مردم است یا خیر که نیاز به تأمل و بررسی دارد؛ به‌عبارتی آیا نخبگانی که به این روش در عرصه‌ی سیاست وارد می‌شوند و اداره امور اجرایی را به‌دست می‌گیرند، از ویژگی‌های یک نخبه‌ی شایسته برخوردارند؟ که اگر غیر از

این باشد برخلاف اهداف، آرمان‌ها، خواسته‌ها و اعتقادات عمومی که برخاسته از مبانی دینی و اسلامی است عمل می‌شود و این امر ممکن است پیامدهای زیانباری برای نظام و جامعه داشته باشد.

ب) بستر دوم، زیرساخت‌های نظری که در چارچوب مقررات خاص جریان می‌یابد و عرصه‌های آن در بسیاری از کشورها از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعریف شده است و تجسم آن در فرایندهای انتخابات بروز و ظهور پیدا می‌کند؛ به سخن دیگر در جریان انتخابات، قدرت بر اساس سازوکاری قانونمند به نخبگان سیاسی دیگر واگذار می‌شود. برای این کار، بیش از سی اصل از اصول قانون اساسی به فرایند انتخابات و شروط واگذاری منصب‌های مهم سیاسی به منتخبان اشاره دارد و بالغ بر ۱۱۰ شاخص شایستگی، ویژگی‌های ضروری نخبگان سیاسی را بازگو کرده، بر آنها تأکید می‌کند. علاوه بر آن، وظایف قانونی سازمان‌ها و نهادهای مؤثر در عرصه انتخابات شامل وزارت کشور، شورای نگهبان، مراکز اطلاعاتی و امنیتی و مانند آن، برای انجام دادن صحیح این فرایند و به سامان رساندن انتخابات تعیین شده است. در صورت اجرای صحیح وظایف قانونی و عمل به تعهدات، مسیر برای ورود عناصر مطلوب و شایسته در عرصه سیاسی (اجرایی، قانونگذاری و غیره) فراهم می‌شود و ضمن تحقق گردش نخبگان شایسته، نظام از موقعیتی باثبات برخوردار خواهد شد که در آن، همگان حتی کسانی که با وجود احساس وفاداری به نظام در عرصه شایستگی، ضعیف‌اند، از نوعی بهره‌مندی برخوردار خواهند شد؛ به این معنا که زمینه برای هدایت و تشویق آنها به سمت اصول ارزشی و پایبندی به شاخص‌های تأکیدشده قانون اساسی فراهم می‌شود و تشکلهای و جناح‌های سیاسی، خود را موظف به خودسازی و اصلاح می‌کنند؛ به این صورت که برای ارتقای سطح مسئولیت‌پذیری و تعهد در بین عوامل و عناصر خود و تربیت نیروهای سیاسی شایسته ترغیب و تشویق می‌شوند؛ چرا که در غیر این صورت و به علت عدم پایبندی به اصول، در میان مردم جایگاهی نخواهند داشت و در نتیجه نخواهند توانست در صحنه و ساختار سیاسی مؤثر باشند. از این رو، نظام شایستگی به منزله مشعل هدایت و ستون سازنده نیز عمل می‌کند.

در صورتی که نخبگان سیاسی در حوزه نظری و عملی، خود را متعهد به انجام دادن وظایف و رعایت شایستگی بدانند، ضمن اینکه نظام سیاسی در مسیر ثبات، سازندگی، کارآمدی و پیشرفت قرار می‌گیرد، زمینه برای سعادت جامعه فراهم می‌شود که هدف اساسی و اصلی است و جامعه به سر منزل مقصود می‌رسد.

توجه به پرسش‌های زیر در زمینه گردش نخبگان سیاسی شایسته، ضروری است:

۱. آیا بستر گردش نخبگان از بعد نظری و عملی فراهم است؟

۲. آیا بسترهای حمایتی برای تربیت و حضور مؤثر نخبگان در چرخه سیاسی فراهم است؟
 ۳. آیا نظام برنامه‌ریزی برای ایجاد بسترهای حمایتی از نخبگان فراهم است؟
 ۴. آیا در گذشته، چارچوب قانونمندی برای حضور نخبگان سیاسی وجود داشته است؟
 ۵. آیا نظام شایستگی مبتنی بر تعالیم دینی و اسلامی و اعتقادی مردم وجود دارد؟
- این پرسش‌ها و موارد مشابه به شاخص‌سازی عینی گردش نخبگان سیاسی در جمهوری اسلامی کمک شایانی می‌کند.

ثبات سیاسی و شاخص‌های آن

از دیدگاه سیستمی، هر نظام زمانی دارای ثبات است که کارویژه‌های خود را به‌خوبی انجام دهد و با دیگر نظام‌های فرعی جامعه تبادل و روابط متقابل داشته باشد و همچنین میان حوزه‌های اصلی نظام اجتماعی ناهماهنگی و عدم تعادل شدید وجود نداشته باشد (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۶۴). ساندرز معتقد است که از جمله شاخص‌های بی‌ثباتی، تغییر در هنجارهاست (۱۳۹۰: ۱۲۵-۱۲۷). دکتر خواجه‌سروی، بر اساس این تعریف، ثبات سیاسی را به‌معنای عدم انحراف هر نظام از هنجارهای مقبول جامعه تعریف می‌کند (۱۳۸۲: ۱۰۶) و در ادامه می‌گوید: «به هر اندازه نظام سیاسی که در معرض تغییر یا چالش قرار گرفته، بتواند الگوی خاص متعارف (هنجار) خود را حفظ نماید، از ثبات بیشتری برخوردار است و به هر میزان که تغییرات یا چالش‌ها بتواند الگوی متعارف خاص نظام سیاسی را تغییر دهند، این نظام سیاسی بی‌ثبات‌تر از دیگر نظام‌ها یا از خودش نسبت به موقعیت قبلی یا بعدی است» (همان: ۱۳۱). بنابراین، عملکرد نخبگان سیاسی حاکم، اصلی مهم در ثبات سیاسی است؛ به این معنا که در نظام گردش نخبگان، معیار ثبات سیاسی، پایبندی و تعهد به ارزش‌ها و عدم انحراف از آنهاست.

این تحقیق ثبات سیاسی را در حد زیادی متأثر از گردش نخبگان سیاسی شایسته می‌داند و با در نظر گرفتن اینکه شایستگی‌های مورد توجه در نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های دینی و تعالیم اسلامی است، تفاوت آشکاری با نظام‌های سرمایه‌داری غرب یا دیگر نظام‌ها دارد.

از آن نظر که تصمیم‌گیرندگان اصلی سیاست، نخبگان سیاسی حاکم‌اند، شیوه عملکرد، تعهد و مسئولیت‌پذیری آنها ملاک سنجش قرار می‌گیرد. بر این اساس، در صورتی که حاکمیت از مبانی ارزشی حمایت نکند و متعهد نباشد، پیامد آن تشتت است که ممکن است منجر به تغییر در مقام‌های اصلی اجرایی شود یا چالش‌های خشونت‌آمیز (شورش و ناآرامی) یا مسالمت‌آمیز (اعتصاب‌ها و تظاهرات) در پی داشته باشد. این روند -یعنی انحراف نظام از وضعیت عادی خود- بر اثر گردش نخبگان ناشایسته امکان‌پذیر است.

با این توضیحات، نوع مطلوب گردش نخبگان سیاسی، حاصل جمع شاخص‌های شایستگی است که تحت عنوان "نظام شایستگی" از آن یاد می‌شود. این فرایند بسترساز بقا و استمرار ثبات سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ به سخن دیگر، بقای نظام در پرتو پویایی سیاسی حاصل از ثبات است که در نتیجه کارکرد مطلوب و مورد انتظار از نخبگان سیاسی به وجود می‌آید و رضایتمندی عمومی را در پی دارد.

از این‌رو، در سیر مراحل و لوازم گردش نخبگان سیاسی، نظام شایستگی به‌مثابه اهرم و معیار سنجش ثبات عمل می‌کند؛ به این معنا که میزان سنجش ثبات سیاسی بر چگونگی تعهد به نظام شایستگی استوار است، هر اندازه که از نظام شایستگی فاصله گرفته شود، ثبات نیز کاهش می‌یابد و هر اندازه که تعهد و پابندی به نظام شایستگی بیشتر باشد، ثبات سیاسی افزایش می‌یابد. از این‌رو، وجود یا نبود نظام شایستگی در گردش نخبگان، از جمله شاخص‌هایی است که بر اساس آن می‌توان میزان ثبات سیاسی در کشوری یا در مقطعی تاریخی را سنجید. بر این اساس، می‌توان ادعا کرد که پابندی یا عدم پابندی نخبگان سیاسی به شاخص‌های نظام شایستگی، با ثبات و عدم ثبات سیاسی نظام سیاسی رابطه مستقیم دارد و ممکن است پیامدهای آن را در بنیادهای نظام سیاسی تسری دهد.

پاسخ مثبت الزام‌های ذیل به به‌کارگیری نوع نخبگان سیاسی مرتبط است:

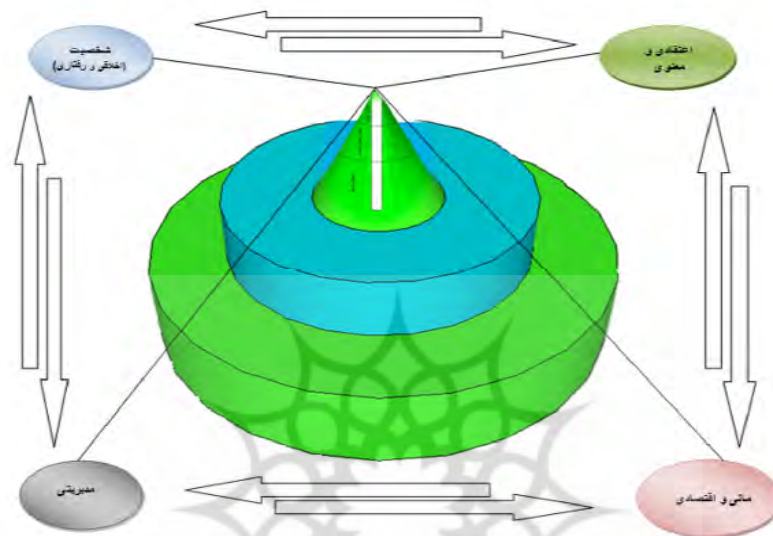
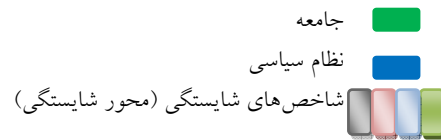
۱. آیا قدرت سیاسی و حاکمیت در خدمت آرمان‌نهایی که سعادت انسان است و نیز مبانی ارزشی و فرهنگی نشئت گرفته از اسلام، وجهه نظام سیاسی قرار گرفته است؟
۲. آیا بسترهای کرامت انسانی، عدالت‌ورزی، آزادی و حقوق مشروع مردم و سازوکار پابندی کارگزاران نظام به خواسته‌های جامعه اسلامی فراهم است؛ به عبارت دیگر آیا تعهد عمل به وظایف دینی و نظام شایستگی برقرار است؟
۳. آیا نظام سیاسی توانسته است به‌طور مؤثری دین و معنویت را در حوزه اجتماعی وارد کند؟

۴. آیا شجاعت و پایداری در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی وجود دارد؟

۵. آیا توجه جدی به حذف عوامل و مظاهر فساد وجود دارد؟

بهترین سازوکاری که زمینه تحقق این الزام‌ها را فراهم می‌کند، قرار گرفتن نخبگان سیاسی شایسته در مناصب دولتی و اداره امور اجرایی است. مباحثی که مطرح شد در الگوی زیر و با الگوپذیری از فرمایش امام علی (ع) در خطبه سوم -خطبه شمشقیه- که می‌فرماید: «شایستگی من به خلافت همچون بایستگی میله است برای سنگ آسیاب» (فارسی، ۱۳۶۱: ۱۳) طراحی شده است. این الگو چگونگی قرار گرفتن نخبگان سیاسی در محور شایستگی و اثر آن بر ثبات سیاسی را بازگو می‌کند.

الگوی مفهومی



نمودار ۱. نمای عینی تأثیر نخبگان سیاسی شایسته بر ثبات سیاسی

نکته‌های قابل توجه درباره الگوی مفهومی:

۱. در الگوی طراحی شده لزوم قرار گرفتن نخبگان سیاسی شایسته در محور شایستگی و رابطه تعاملی بین آنها و جامعه مشخص است؛ اگر نظام سیاسی با حرکت منظم حول محور شایستگی به گردش درآید، مسیر پیشرفت و سعادت و ثبات را طی خواهد کرد.
۲. این الگو بیان‌کننده این است که اگر گردش نخبگان مبتنی بر اصول ارزشی نباشد (نخبگان ناشایست وارد محور شوند)، آسیب‌های جدی به نظام شایستگی وارد می‌شود؛ نظامی که نظام سیاسی بر آن استوار و بر محور آن به حرکت درمی‌آید.
۳. اگر نخبگان سیاسی که در محور شایستگی قرار می‌گیرند، شامل ترکیبی از شایستگی و ناشایستگی باشند، محور کج و معوج شده، حرکت نظام سیاسی مختل می‌شود.
۴. نظام شایستگی امکان حضور نخبگان سیاسی شایسته‌ای را فراهم می‌کند که بنا به دلایلی در عرصه رقابت انتخاباتی بازنده بوده‌اند، تا از این پس در صحنه سیاسی حضور داشته باشند.

۵. به لحاظ اتصال محور شایستگی به بدنه جامعه و رابطه تعاملی این دو، امکان ایجاد شرایط و فرایند پایش برای ورود نیروهای سیاسی شایسته جدید به محور شایستگی فراهم می‌شود. همچنین، به لحاظ بسترهای قانونی، چنانچه بنا به دلایلی عوامل ناشایسته و ناکارآمد به چرخه سیاسی و مدیریتی وارد شده و در محور شایستگی قرار گرفته باشند، عملکرد آنها توسط سامانه نظارتی قابل پایش و ارزیابی است.

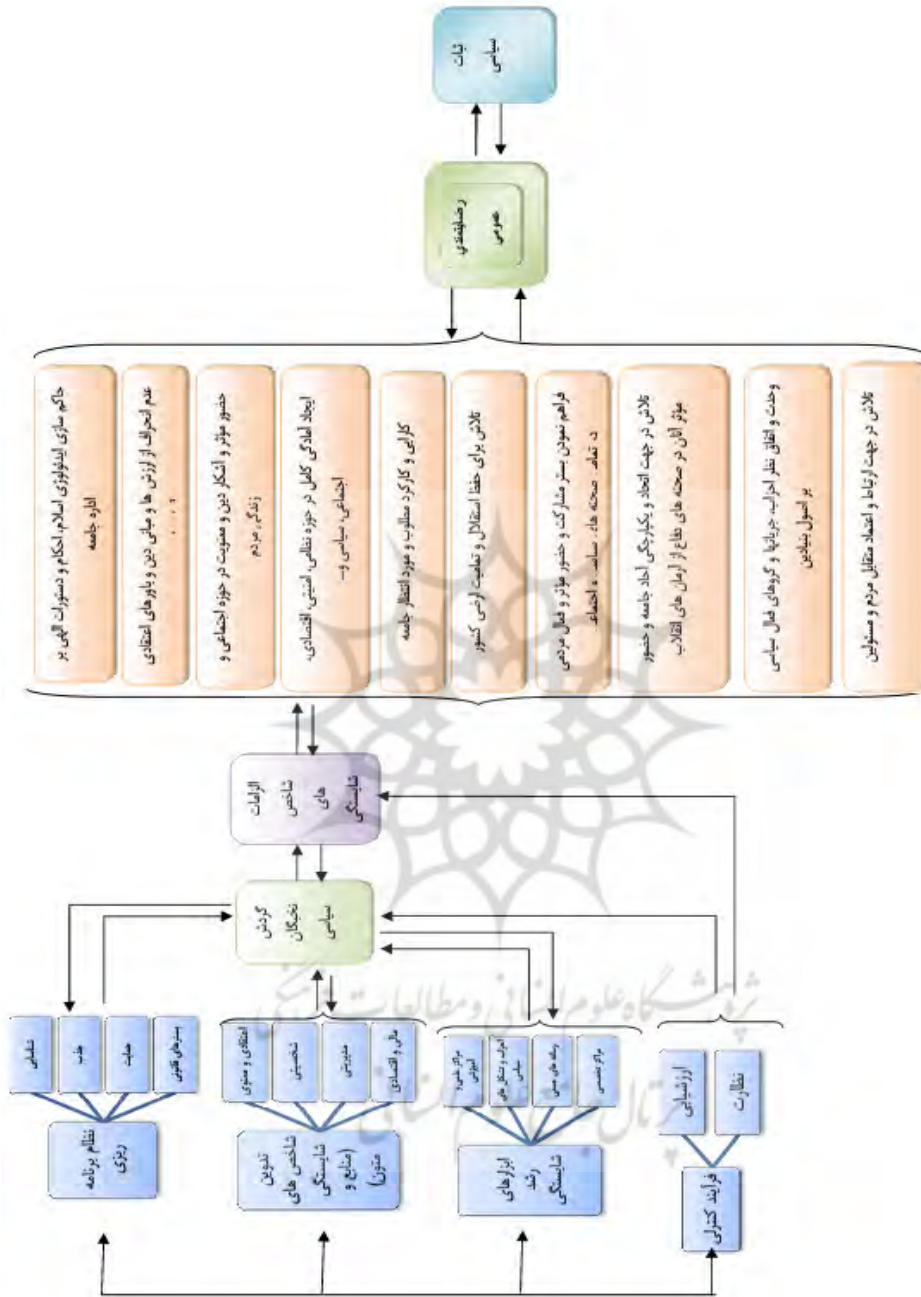
چارچوب تحلیلی گردش نخبگان سیاسی شایسته و تأثیر آن بر ثبات سیاسی

نظام سیاسی نمی‌تواند منصب‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را به هر فردی واگذار کند و لازم است به واسطه نظام شایستگی، فرصت‌های مسئولیتی را به افراد شایسته واگذار کند تا کارآمدی و موفقیت نظام افزایش یابد و رضایتمندی عمومی و در نتیجه ثبات سیاسی نظام استمرار پیدا کند.

برای تحقق این مهم، الگویی مفهومی - نظری تحت عنوان نظام شایستگی طراحی شده است. در این الگو، گماردن یا چرخش نخبگان برای تصدی مناصب قدرت، باید مبتنی بر ارزش‌ها و شاخص‌های شایستگی باشد. در نظام شایستگی، اگر سازوکارهای ورودی به نظام قادر باشد پایش مؤثر، دقیق و عادلانه‌ای پیش از ورود و به‌هنگام فعالیت نخبگان سیاسی، از طریق بررسی سوابق و عملکرد آنها برای حذف عناصر نامطلوب و ناشایسته انجام دهد، ضمن اینکه بستر گردش برای ورود نخبگان سیاسی شایسته به نظام فراهم می‌شود، این توانایی را به دست می‌آورد که نظام شایستگی مبتنی بر ارزش‌های دینی و اعتقادی را به‌طور چشمگیری در بدنه نظام سیاسی و در بین نخبگان سیاسی حاکم و غیر حاکم گسترش و توسعه دهد.

۱. هدف

هدف اساسی در این الگو ایجاد بهترین و بادوام‌ترین نظام سیاسی است؛ به عبارتی این الگو با فراهم کردن بستر ورود افراد شایسته در عرصه سیاسی - اجتماعی و استقرار ارزش‌های اعتقادی جامعه و ارتقای سطح تعهد و پایبندی به اصول بنیادین، در پی ایجاد نظامی است که به‌طور عادلانه، خواسته‌های مردم خود را محقق سازد و از راه رضایتمندی عمومی، ثبات سیاسی را بقا و استمرار بخشد.



نمودار ۲. چارچوب تبیین نوع مطلوب گردش نخبگان سیاسی حاصل جمع شاخص‌های شایستگی

۲. اهمیت

این نظام به لحاظ برخورداری از زنجیره‌ای از شاخص‌های شایستگی در حوزه اعتقادی و معنوی، اخلاقی و رفتاری، مدیریتی، مالی و اقتصادی که تکمیل‌کننده صلاحیت مدیریتی فرد برای تصدی امور سیاسی و اجتماعی است، بستری مفید و سازنده برای ارتقای سطح کارآمدی نظام سیاسی اسلامی به‌شمار می‌رود.

۳. کاربرد

چنانچه شاخص‌های شایستگی تأکید شده در نظام شایستگی به‌درستی فراگیر و نهادینه شود، به‌گونه‌ای که همه مدیران و نخبگان سیاسی جامعه از آنها برخوردار و به آنها عامل باشند، نظامی ارزشی پایه‌گذاری می‌شود که ثبات سیاسی آن تحت هیچ شرایطی و از سوی هیچ قدرت و با هیچ توطئه‌ای دستخوش تهدید نمی‌شود و زمینه برای پیشرفت و توسعه آن در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره فراهم و سعادت جامعه محقق می‌شود؛ سعادت‌تی که هدف اصلی نظام سیاسی دینی است.

نکته‌های قابل توجه در نمودار ۲:

بر مبنای نمودار ۲، توجه به هشت مورد یا مرحله ضروری است:

۱. لزوم وجود نظام برنامه‌ریزی به‌منظور شناسایی نخبگان و استعداد‌های پنهان، جذب و حمایت از آنها برای رسیدن به موفقیت و صعود به قله‌های پیشرفت؛
۲. تدوین شاخص‌های شایستگی در حوزه‌های اعتقادی و معنوی، شخصیتی (اخلاق و رفتار)، مدیریتی، مالی و اقتصادی مبتنی بر اندیشه اسلامی و دستورهای الهی در قالب منابع و متون قابل بهره‌برداری توسط مراکز علمی، آموزشی، احزاب، تشکل‌های سیاسی و غیره؛
۳. فعال‌سازی ابزارهای رشد شایستگی شامل حوزه‌ها، دانشگاه‌ها، احزاب، تشکل‌های سیاسی و دانشجویی، رسانه‌های جمعی و غیره به‌منظور تربیت و پرورش نخبگان شایسته؛
۴. وجود ابزارها و شیوه‌های پایشی؛ در این زمینه، عملکردی دو مرحله‌ای انجام می‌گیرد؛ به این معنا که هم سیر مراحل ابتدایی را سنجش و ارزیابی می‌کند و هم پس از قرار گرفتن نخبگان در عرصه سیاسی و فعالیت، بر الزام‌های شاخص‌های شایستگی نظارت و آنها را پایش می‌کند و به این طریق میزان تعهد و پایبندی یا انحراف و دیگر الزام‌ها را ارزیابی می‌کند؛
۵. وجود گردش نخبگان سیاسی شایسته؛
۶. نتایج اجرای شاخص‌های نظام شایستگی که تجسم آن در پنج حوزه شامل ۱. عدم انحراف از ارزش‌ها و مبانی دینی، ۲. کارایی و کارکرد مطلوب و مورد انتظار، ۳. حاکم کردن

- آرمان‌های اسلامی در جامعه، ۴. تحقق انسجام و وحدت ملی روی اصول و ۵. مشارکت فعال سیاسی و اجتماعی مردم قابل مشاهده و ارزیابی است؛
۷. بازخورد عملکرد شایسته نخبگان سیاسی که رضایتمندی عمومی است؛
۸. در نتیجه مراحل هفتگانه مذکور، ثبات سیاسی نظام محقق و تثبیت می‌شود.

تجزیه و تحلیل نهایی

- اکنون به نقاط قوت الگوی مفهومی نظام شایستگی اشاره می‌شود که شامل این موارد است:
۱. گسترش روحیه ارزشی در جامعه و ارتقای سطح انگیزه مدیران و نخبگان به مسائل ارزشی و افزایش احساس مسئولیت و تعهد و پایداری آنها به اصول و مبانی اعتقادی؛
 ۲. برانگیختن استعدادهای درونی نخبگان و هدایت آنها به سمت فطرت پاک انسانی؛
 ۳. بیان مجموعه‌ای شفاف از شاخص‌های کلیدی و مؤثر در بهبود کارایی نظام و ایجاد ثبات سیاسی؛
 ۴. ایجاد حساسیت در مراحل، ابزار و روش‌های پایش (نظام‌گزینش، ارزیابی و نظارت)؛
 ۵. تمرکز نهادهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر اهمیت نظام شایستگی و بهره‌گیری از شاخص‌های شایستگی در مراحل انتخاب و انتصاب سطوح عالی، میانی و پایین مدیریتی و اثر آن بر استمرار ثبات سیاسی؛
 ۶. عرضه راهکارهای اصولی برای جلوگیری از نفوذ عناصر نامطلوب به نظام سیاسی و مدیریتی و مقابله با عناصر نفوذی؛
 ۷. ترغیب و تشویق نهادها و مراکز آموزشی و تربیتی برای تربیت نیروی انسانی شایسته و مورد نیاز نظام سیاسی و مدیریتی؛
 ۸. ارتقای روحیه شایسته‌خواهی، شایسته‌سنجی، شایسته‌گزینی، شایسته‌گماری، شایسته‌داری و شایسته‌پروری در نظام سیاسی و جامعه؛
 ۹. توجه به پایش کیفیت و اثربخشی مسئولیت‌ها؛
 ۱۰. ایجاد زمینه مناسب به منظور جلوگیری از انحراف از ارزش‌ها از سوی مسئولان و نخبگان سیاسی، افزایش کارایی نظام، رضایتمندی عمومی و در نتیجه تحقق ثبات سیاسی.

شاخص‌های شایستگی نخبگان سیاسی

- در نظام جمهوری اسلامی ایران، لزوم توجه به گردش نخبگان سیاسی شایسته به‌مثابه اصلی اساسی، مبنای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی قرار گرفته است.
- در این زمینه، اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که حاکمیت تشریحی خداوند را بر سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه الزام می‌کند، اداره این نظام سیاسی با ویژگی‌ها و

الزام‌های آن را نخست، مستلزم حاکم بودن احکام و دستورهای الهی بر تاروپود نهادهای سیاسی و اداری می‌داند و دوم، جریان و اجرای دستورهای دینی و اصول ارزشی در نظام سیاسی را منوط به وجود نخبگان سیاسی شایسته، کارگزارانی متعهد و پایبند به اصول و مبانی ارزشی در مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی می‌داند.

بر این اساس، بیان ویژگی‌ها و شاخص‌های شایستگی در ابعاد مختلف اعتقادی، معنوی، اخلاقی و رفتاری، مالی، اقتصادی و مدیریتی که بر خورداری و تعهد و پایبندی به آنها از سوی نخبگان، ضمن تحکیم قوانین و دستورهای الهی بر امور اجرایی، جامعه را از حیث وجود فضایل معنوی، ارزشی و اخلاقی تضمین و از آن صیانت می‌کند، موضوع بحث فعلی است. در این زمینه، شرع مقدس اسلام و منبعث از آن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌طور اساسی به ضرورت‌ها و الزام‌های نظام سیاسی و ویژگی‌هایی پرداخته است که نخبگان سیاسی و کارگزاران جامعه باید از آنها برخوردار باشند.

اسلام به همان اندازه که به ضرورت حکومت و جایگاه آن در اجرای احکام الهی اهمیت می‌دهد، بر شاخص‌ها و معیارهای مدیریت سالم و ویژگی‌های حاکمان در جامعه تأکید دارد. در این زمینه، بیش از هر چیز، آیات گهربار قرآن کریم راهگشای رهبران و زمامداران برای ادارهٔ سالم جامعه و بردن آن به سوی سعادت است. قرآن کریم در آیات متعدد به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به ضرورت برخورداری جامعه از رهبران شایسته اشاره کرده است.

امام علی (ع) در فرمایش‌های خود در *نهج‌البلاغه* که منبعث از آیات قرآنی است، به ضرورت به‌کارگیری کارگزاران شایسته برای تصدی امور سیاسی و اجتماعی جامعه تأکید می‌کند و نگرانی خود را از روی کار آمدن زمامداران بی‌اهلیت و نالایقی ابراز می‌دارد که جامعه را به سمت تباهی می‌کشاند و بر این اساس، هم مردم و هم زمامداران را به رعایت و پایبندی به این مهم سفارش می‌کند؛ همچنان که هنگام گماردن مالک اشتر نخعی به حکومت مصر، در نامه‌ای به مصریان چنین هشدار می‌دهد: «نگرانی من از این جهت است که آدم‌های نادان و فاسق زمام امور این امت را بر عهده گیرند؛ در نتیجه مال خدا را دست‌به‌دست گردانند، بندگان او را بردهٔ خود کنند و با بندگان صالح خدا به ستیز برخیزند و بدکاران را یاوران خویش قرار دهند» (ارفع، ۱۳۸۶: ۱۱۴۵). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به تبعیت از دستورها و فرمان‌های الهی و آموزه‌های دینی، ویژگی‌ها و الزام‌های متصدیان امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را مبتنی بر شاخص‌هایی تعیین کرده و بر ضرورت برخورداری کارگزاران و نخبگان سیاسی به آن ویژگی‌ها تأکید کرده است.

بررسی و مذاقه در آیات قرآنی، خطبه‌ها و نامه‌های *نهج‌البلاغه* و تطبیق اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با آیات قرآنی و مستندات *نهج‌البلاغه*، بیان‌کنندهٔ این است که

نظام جمهوری اسلامی ایران برای تحقق اهداف متعالی اسلام و آرمان‌های انقلابی مردم مسلمان ایران، سازوکار و بسترهای مناسب و قانونمندی برای قرار گرفتن کارگزاران لایق و نخبگان سیاسی شایسته در مسند قدرت سیاسی و اجتماعی فراهم کرده است. از مجموع ۴۲۳ شاخص شایستگی بررسی شده، مستند به آیات قرآنی، خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه و اصول قانون اساسی و پس از جمع‌بندی و حذف موارد مشابه، تعداد ۱۷۲ شاخص شایستگی به ترتیب ۷۵ شاخص معادل ۴۳/۶ درصد در حوزه اعتقادی و معنوی، ۶۰ شاخص معادل ۳۴/۹ درصد در حوزه مدیریتی، ۲۸ شاخص معادل ۱۶/۲ درصد در حوزه شخصیتی (اخلاقی و رفتاری) و ۹ شاخص معادل ۵/۲ درصد در حوزه مالی و اقتصادی احصا شد.

استخراج شاخص‌های شایستگی مبتنی بر اصول قانون اساسی از آیات قرآنی و مستندات نهج‌البلاغه، نشان‌دهنده وجود فیلتر نسبتاً مؤثری برای ورود نخبگان سیاسی و سکانداری مدیریت سیاسی و اجتماعی است که در صورتی که مراجع ذیربط آنها را به‌طور دقیق رعایت کنند، ضمن اینکه شرایط را برای ورود افراد شایسته و محدودیت برای نفوذ عناصر ناشایست و ناکارآمد فراهم می‌کند، موجب می‌شود رویکرد مدیریت سیاسی در انحراف و تعارض با ارزش‌های اسلامی و آرمان‌های انقلاب اسلامی قرار نگیرد و در پرتو حفظ ارزش‌ها، ثبات سیاسی تضمین شود.

جدول ۱. شاخص‌های شایستگی در حوزه اعتقادی و معنوی

ردیف	شاخص شایستگی	مستندات	
		مستندات از آیات قرآنی	مستندات از خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه
۱	تبعیت و پیروی از دستورهای الهی	نسا: ۱۰۵	خطبه ۱۸۹؛ نامه ۵۳
۲	ایمان و تقوایشگی و پارسایی در مسئولیت	مائده: ۵۴؛ سجده: ۱۸؛ نحل: ۹۷	خطبه ۱۶؛ ۱۸۲؛ ۱۸۴؛ نامه ۵۳
۳	بینش و بصیرت سیاسی	قصص: ۴۳؛ یوسف: ۱۰۴	خطبه ۹؛ ۱۵۱؛ ۱۷۲
۴	فریب زیادی مال و فرزند را نخوردن	بقره: ۲۴۷؛ توبه: ۲۴؛ حجرات: ۱۳	نامه ۵۰
۵	مغرور نشدن	بقره: ۲۴۵؛ نحل: ۴۰	نامه ۵؛ ۵۳
۶	تمسک به قرآن	قصص: ۴۳	خطبه ۱۸۹
۷	ایثار جان و مال (ایثارگری) در راه خدا و شهادت‌طلبی	نسا: ۹۵	خطبه ۲۷
۸	جهاد و مبارزه در راه خدا	نسا: ۹۵؛ توبه: ۲۴	خطبه ۲۷

اصل ۶۷ (پاسداری

ادامه جدول ۱.

از حریم اسلام)	حجرات: ۱۵	۹	استعانت از قدرت لایزال الهی
اصل ۱۲۱	خطبه ۱۵۱	۲۵	حدید: ۲۵
اصل ۱۲۱	خطبه ۱۵۱؛ نامه ۵۳	۸۸	هود: ۸۸
			تنها خداوند را قادر مطلق دانستن
	نامه ۲۶	۱۲۱	نحل: ۱۲۱
اصل ۲	خطبه ۲	۱۲۰	نحل: ۱۲۰
(توحیدمحوری)			شکرگزار نعمت‌های الهی بودن
	خطبه ۳۵؛ ۹۶	۶۵	حجرات: ۶۵؛ ۱
		۵۹	نسا: ۵۹
		۲۴	توبه: ۲۴
اصل ۱۵۲		۲۶	نحل: ۲۶
			حب خدا، پیامبر و ائمه
			استکبارستیزی و نفی سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری
		۱۴	زمر: ۱۴
اصل ۲ (عبرت‌گیری از معاد)	خطبه ۶۳	۷۴	مؤمنون: ۷۴
	نامه ۵۳	۴۱؛ ۵۵	نور: ۴۱؛ مائده: ۵۵
	خطبه ۲	۱۵۹	آل عمران: ۱۵۹
	خطبه ۲	۱۵	حجرات: ۱۵
	خطبه ۸۶	۱۲۵	نحل: ۱۲۵
اصول ۵؛ ۲ (دعوت مردم به خیر)	خطبه ۳۳؛ نامه ۵۳		
	خطبه ۸۶		
	خطبه ۱۲۴		
اصول ۲؛ ۱۲۱	خطبه ۱۶۳		
	نامه ۵۳	۵۵	مائده: ۵۵
اصل ۴۳	خطبه ۱۸۲		
	خطبه ۱۸۴		
	خطبه ۱۸۴		
	نامه ۲۶		
	نامه ۷۹		
	خطبه ۶۲؛ ۱۸۴	۲۸	احزاب: ۲۸
			روحیه محرومیت‌زدایی و دفع فقر (باری ملت در سختی‌ها)
			ترس از خداوند داشتن
			تقویت و استحکام مبانی دینی و اعتقادی
			عدول نکردن از مسیر حق و دیانت
			خداوند را ناظر و شاهد اعمال دانستن
			مردم را از پیروی حق مناع نشدن و حق را نفروختن
			پرهیز از تجمل‌گرایی و دنیاطلبی

ادامه جدول ۱.

	نامۀ ۵۳	نمل: ۴۳	ارتباط با عالمان و بزرگان دین	۳۳
	خطبۀ ۱۶۳: ۳	حجرات: ۹	ظلم ستیزی	۳۴
	خطبۀ ۷۳: ۳	حجرات: ۹	احقاق حقوق مظلوم	۳۵
	نامۀ ۳۴		دشمن شناسی و سختگیری نسبت به دشمن	۳۶
	خطبۀ ۹۱: ۱۵		حق محوری	۳۷
	خطبۀ ۵۳: ۳۴		هوشیاری نسبت به دشمن	۳۸
اصل ۱۲۱			قدرت را از ناحیۀ خدا و مردم دانستن	۳۹
	خطبۀ ۱۰۳: ۳۹		غیرت و مردانگی در برابر دشمن	۴۰
	خطبۀ ۸۹		مراقبت و حسابرسی بر اعمال	۴۱
	خطبۀ ۱۲۲		یاری رساندن به برادران دینی	۴۲
	خطبۀ ۱۳۱		انگیزۀ اجرای احکام الهی	۴۳
	خطبۀ ۲۳		انجام دادن کار برای رضای خدا	۴۴
اصول ۶۱: ۶۷: ۱۲۱	خطبۀ ۲۰۷	نسا: ۱۰۵	رعایت حقوق ملت و به جا آوردن حق مردم	۴۵
	خطبۀ ۲۰۷		پرهیز از ظلم و ستم	۴۶
اصل ۱۵۲			دفاع از حقوق همه مسلمانان	۴۷
	نامۀ ۷۹		پیروی راه حق	۴۸
	خطبۀ ۵۳: ۲۳۴	توبه	وفای به عهد	۴۹
		مؤمنون: ۶۲	حق گوئی	۵۰
اصل ۶۷	نامۀ ۵۳	قصص: ۲۶	امین و درستکار بودن	۵۱
اصل ۲۶	خطبۀ ۲۷: ۱۱	هود: ۱۱۲؛ حجرات: ۱۵	استقامت در برابر دشمنان و در راه دین و دفاع از ارزش های- اسلامی	۵۲
	خطبۀ ۲۰۰	احزاب: ۲۸	ساده زیستی	۵۳
	نامۀ ۵۳	زمر: ۱۴؛ نمل: ۱۹	اخلاص در عمل	۵۴
	خطبۀ ۴۲: ۸۶؛ ۱۳۶؛ ۱۸۴؛ نامۀ ۵۳	ص: ۲۶	پیروی نکردن از هوای نفس و مبارزه با آن	۵۵
	خطبۀ ۲۳۴	مائده: ۵۷	دوستی با دوستان خدا و دوری از دشمنان خدا	۵۶
اصل ۱۵۲		مائده: ۵۲	پناه نبردن به جهان کفر (کافران) و قدرت های سلطه گر	۵۷
		فصلت: ۳۰	ثبات ایمان	۵۸
	نامۀ ۵۳: ۲۶؛ خطبۀ ۱۷۴	صف: ۳؛ ۲	خلاف گفتار عمل نکردن (عدم دوگانگی حرف و عمل)	۵۹
	نامۀ ۵۰	نمل: ۳۶	فربسب مال و ظواهر دنیا را نخوردن	۶۰

ادامه جدول ۱.

۶۱	متکبر و خودبزرگبین نبودن	خطبه ۱۸۴؛ ۲۰۷؛ نامه ۵۳
۶۲	تسلیم نشدن در برابر وسوسه‌های مادی و شهوانی	خطبه ۱۸۴
۶۳	صداقت در نیات	خطبه ۱۸۸
۶۴	تعصب و کوشش برای کسب خصلت‌های پسندیده	خطبه ۲۳۴
۶۵	خوشایند ندانستن تعلق و تمجید دیگران	خطبه ۱۱۷؛ نامه ۵۳
۶۶	پرهیز از فساد	خطبه ۲۳۴
۶۷	خود را برتر و بالاتر از مردم ندانستن (مخالفت با خودبزرگبینی)	نامه ۲۶؛ ۵۳
۶۸	طاعت و بندگی پروردگار	نامه ۵۳
۶۹	یاری خدا با قلب، دست و زبان	نامه ۵۳
۷۰	نزدیکی با اهل ورع و صدق	نامه ۵۳
۷۱	گرفتار عجب، غرور و خودپسندی نشدن	نامه ۵۳
۷۲	مقید بودن به نماز و زکات و ترغیب مردم به آنها	نامه ۵۳
۷۳	احیا و ترویج امر به معروف و نهی از منکر (مقید و پایبندی)	اصل ۵

جدول ۲. شاخص‌های شایستگی در حوزه اخلاقی و رفتاری یا شخصیتی

مستندات			شاخص شایستگی	ردیف
مستندات از اصول قانون اساسی	مستندات از خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه	مستندات از آیات قرآنی		
	خطبه ۱۰۷؛ ۱۸۴	حدید: ۲۵	صداقت در گفتار و عمل	۱
		مریم: ۲۸	اصالت خانوادگی (سلامت و پاکی)	۲
اصل ۱۲۱	خطبه ۸۹	حدید: ۲۵؛ آل عمران: ۱۵۹	بی‌نیازی از خلق و توکل به خدا	۳
	نامه ۵۳	مائده: ۴۲	دوری از افراد ناپاب و فاسد (انسان‌های دروغگو و حرام‌خوار)	۴
	نامه ۱۸؛ ۲۶	آل عمران: ۱۵۹	مردمداری	۵
	نامه ۱۸؛ ۵۳	آل عمران: ۱۵۹؛ نحل: ۱۲۵	مهربانی و خوش‌خلقی با مردم	۶
	نامه ۲۷؛ ۵۳	آل عمران: ۱۵۹	سخت‌دل نبودن و نرمی با مردم	۷
	خطبه ۱۸۴؛ نامه ۵۳	آل عمران: ۱۵۹	گذشت و بخشش	۸
		حجرات: ۱۲۵	نیک‌گویی و نیک‌رفتاری	۹
		نسا: ۱۳۵	بیان حقایق و واقعیت‌ها	۱۰

ادامه جدول ۲.

۱۱	شهادت به حق دادن	نسا: ۱۳۵	
۱۲	پرهیز از رشوه‌گیری	نمل: ۳۶	خطبه ۱۳۱
۱۳	چشم طمع به مال کسی نداشتن (مناعت طبع)	طه: ۱۳۱	
۱۴	بخیل نبودن		خطبه ۱۳۱؛ ۱۸۴
۱۵	صبر و سعه صدر داشتن		خطبه ۱۷۲؛ نامه ۵۳
۱۶	پرهیزکاری		خطبه ۱۸۴
۱۷	شکیبایی در سختی		خطبه ۱۸۴
۱۸	پرهیز از حرص و طمع		خطبه ۱۸۴
۱۹	خیرخواه مردم بودن		خطبه ۱۸۴؛ نامه ۵۳
۲۰	فرو بردن خشم		خطبه ۲۳۴؛ نامه ۵۳
۲۱	دروغگو نبودن		نامه ۲۶
۲۲	اهتمام و شتاب در کار خیر	بقره: ۱۴۸	نامه ۵۳
۲۳	دقت در عمل		خطبه ۴۳
۲۴	طغیانگر نبودن		خطبه ۶۳
۲۵	پرهیز از کارهای حرام		نامه ۵۳
۲۶	انصاف در رفتار با مردم، خویشان و دوستان		نامه ۵۳
۲۷	پرهیز از عیبجویی مردم		نامه ۵۳
۲۸	پرهیز از همنشینی و مصاحبت با افراد سخن‌چین و فتنه‌انگیز		نامه ۵۳

جدول ۳. شاخص‌های شایستگی در حوزه مدیریتی

مستندات		شاخص شایستگی	نوع
مستندات از	مستندات از	مستندات از آیات قرآنی	مستندات از
اصول قانون اساسی	خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه	قرآنی	اصول قانون اساسی
اصل ۷۷	خطبه ۱۵۳	نسا: ۹۳؛ ۴۷؛ ۴۸؛ یوسف: ۴۹	۱ اقدام با علم و آگاهی (برنامه‌ریزی بر اساس شناخت از ظرفیت‌ها)
		شورا: ۳۸؛ ۲۹؛ ۳۰؛ ۳۱؛ نمل: ۳۲؛ آل عمران: ۱۵۹	۲ مشاورت جستن در تصمیم‌گیری‌های مهم و حساس
اصل ۱۲۱	خطبه ۸۶؛ نامه ۵		۳ خودرأی نبودن و عدم تکروری و خودکامگی
	خطبه ۱۲۵؛ اصول ۵؛ ۹۱ (عادل بودن)		۴ عمل به حق
	خطبه ۲۰۷؛ نامه ۵۳؛ خطبه ۱۳۶؛ نامه ۵۳		۵ تلاش برای حفظ حمایت مردمی

ادامه جدول ۳.

۶	پایبندی به وظایف	بقره: ۱۴۸	خطبه ۱۷۲	اصول ۲: ۱۲۱
۷	آینده‌نگری و دوراندیشی	یوسف: ۴۷؛ ۴۸؛ ۴۹	خطبه ۱۵۳؛ نامه ۵۳	اصول ۵: ۹۱
۸	تدبیر صحیح و عالمانه	یوسف: ۴۷؛ ۴۸؛ ۴۹؛ ۵۵		اصول ۵: ۹۱ (مدیر و مدیر بودن)
۹	قناعت‌پیشگی	یوسف: ۴۷؛ ۴۸؛ ۴۹		
۱۰	تلاش برای خودکفایی و حفظ استقلال	یوسف: ۴۷؛ ۴۸؛ ۴۹		اصول ۱۵۲؛ ۴۳؛ ۶۷؛ ۱۲۱
۱۱	عدم وابستگی	یوسف: ۴۷؛ ۴۸؛ ۴۹		اصل ۴۳
۱۲	توانایی و قدرت اداره	قصص: ۲۶؛ بقره: ۲۴۷؛ مومنون: ۶۲؛ قصص: ۳۴	نامه ۳۴	اصول ۷۶؛ ۱۳۳؛ ۵؛ ۹۱؛ ۱۵۷
۱۳	قضاوت عادلانه	نسا: ۵۸؛ ص: ۲۶؛ مائده: ۴۲؛ حجرات: ۹	نامه ۵۳	اصل ۵ (عادل بودن)
۱۴	ارج‌گذاری به پیشینه موفق مسئولیت	بقره: ۱۲۴	نامه ۵۳	اصل ۱۱۵
۱۵	اجرای عدالت	مؤمنون: ۶۲؛ حدید: ۲۵	خطبه ۳؛ ۸۶؛ نامه ۵۳	اصول ۲؛ ۱۲۱؛ ۶۱؛ ۶۷؛ ۱۵۷؛ ۱۵۸؛ ۱۶۲
۱۶	درستکار بودن و امانتداری در مسئولیت	قصص: ۲۶؛ نسا: ۵۸	نامه ۵؛ ۵۳	اصول ۶۷؛ ۱۲۱؛ ۱۱۵
۱۷	ترجیح مصالح جامعه و اسلام بر مصالح فردی	توبه: ۲۴		اصل ۶۷
۱۸	قانون‌گرایی (شریعت و طریقت)	مائده: ۴۸	نامه ۵۳	اصل ۷۲
۱۹	عدم ترس در اجرای عدالت	مائده: ۴۲		
۲۰	بهره جستن از عالمان و دانشمندان	نمل: ۴۳	نامه ۵۳	
۲۱	تلاش برای حفظ وحدت و انسجام	حجرات: ۹	نامه ۳۵	اصل ۲۶
۲۲	تلاش برای ایفای مسئولیت		نامه ۵۳	اصل ۱۲۱
۲۳	روحیه کنترلی و نظارت بر مجموعه تحت امر (آگاهی از عملکرد زیردستان)		نامه ۴۰؛ ۵۳	
۲۴	سوء استفاده نکردن از مسئولیت		نامه ۴۱	
۲۵	قدردانی و ارج نهادن به افراد موفق		نامه ۴۲؛ ۵۳	
۲۶	ایجاد فرصت و بسترسازی برای حضور افراد موفق و متعهد خیرخواه، پاکدامن و مطیع اوامر الهی و بردبار در مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی		نامه ۴۲؛ ۵۳	اصل ۲ (شایسته‌گزینی)
۲۷	تلاش برای رفع محرومیت از مردم	مائده: ۵۵	نامه ۵۳	اصل ۴۳
۲۸	پرهیز از به‌کارگیری افراد مشکل‌دار و مسئله‌دار در مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی		نامه ۵۳	
۲۹	مطیع فرمان‌ها و دستورهای الهی بودن (قانون و شریعت)	نحل: ۱۲۰	نامه ۲۶؛ ۵۳	
۳۰	تواضع و فروتنی		خطبه ۱۸۴؛ نامه ۲۷	
۳۱	به اعمال کم راضی نبودن		خطبه ۱۸۴	
۳۲	گشاده‌رویی با مردم		نامه ۲۷	

ادامه جدول ۳.

نامۀ ۳۵	۳۳	خیراندیش نظام بودن
حجرات: ۱۵	۳۴	سخت‌کوشی در راه دین و انجام دادن وظایف
فصلت: ۳۱	۳۵	استحکام اراده
اصول ۱۲۱؛ ۱۵۲ (پاسداری از مرزها)	۳۶	حفظ آمادگی در امور مختلف از جمله در برابر دشمن
انفال: ۶۰		
خطبۀ ۱۱۷	۳۷	نصیحت‌پذیر و انتقادپذیر بودن
اصول ۷۲؛ ۱۳۳؛ ۱۵۷؛ ۱۶۲؛ ۱۵۸؛ ۱۷۶؛ ۷۷	۳۸	دانایی، علم و دانش و آگاهی
خطبۀ ۱۷۲		
یوسف: ۵۵؛ بقره: ۲۴۷		
نمل: ۱۵؛ ۴۳		
بقره: ۲۴۷	۳۹	قدرت جسمی
نمل: ۹۷	۴۰	التزام عملی و تعهد رفتاری
قصص: ۲۶؛ مائده: ۵۲	۴۱	شجاعت
نامۀ ۳۴		
خطبۀ ۱۱		
۱۲۲؛ ۱۰۳		
نامۀ ۵۳	۴۲	عدم داوری در زمان آگاه نبودن از مسائل
نامۀ ۵۳	۴۳	پرهیز از مشارکت دادن افراد حریص، گنهکار، ترسو و بدکار در مسئولیت
نامۀ ۵۳	۴۴	بهره‌برداری از تجارب شایسته
نامۀ ۵۳	۴۵	رسیدگی به حال نیازمندان، محرومان، سالخورده‌گان و یتیمان جامعه
نامۀ ۵۳	۴۶	آگاهی‌بخشی به مردم در زمینه با نیت و دلایل کارها
نامۀ ۵۳	۴۷	فراهم نکردن بستر سوء استفاده اقوام و دوستان از قدرت و ممانعت این کار
نامۀ ۵۳	۴۸	کارها را به تأخیر نینداختن
نامۀ ۵۳	۴۹	حضور مؤثر و مستمر در بین مردم
نامۀ ۵۳	۵۰	منت نگذاشتن بر مردم
نامۀ ۵۳	۵۱	پرهیز از سستی در کارها
نامۀ ۵۳	۵۲	عدم لجاجت و پافشاری در کارهایی که راه درست از نادرست روشن نیست
نامۀ ۵۳	۵۳	فریب ظواهر و خوش‌خدمتی افراد را نخوردن
نامۀ ۵۳	۵۴	عدم مشورت با افراد ترسو، حریص و بخیل
اصول ۲۶؛ ۱۱۵	۵۵	رعایت و پایبندی به موازین اسلامی، مبانی ارزشی و اساس جمهوری اسلامی
اصول ۶۷؛ ۱۲۱؛ ۱۷۵	۵۶	پاسداری از دستاوردهای انقلاب و مبانی نظام و مصالح کشور
اصول ۶۷؛ ۱۲۱	۵۷	پایبندی بخدمت به مردم (خدمتگزاری مردم)

ادامه جدول ۳.

اصول ۶۷؛ ۹۱؛ ۱۲۱	دفاع و پاسداری از قانون اساسی	۵۸
اصول ۹۱؛ ۱۱۵	پاسداری از احکام اسلامی و مذهب رسمی کشور	۵۹
اصول ۶۷؛ ۱۲۱	تلاش برای اعتلای کشور	۶۰

جدول ۴. شاخص‌های شایستگی در حوزه مالی و اقتصادی

مستندات	شاخص شایستگی	ردیف
مستندات از خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه	مستندات از آیات قرآنی	
اصول ۶۷؛ ۱۱۵	قصص: ۲۶؛ یوسف: ۵۵، نسا: ۵۸؛ انفال: ۲۷	۱
	حجرات: ۱۵	۲
	نمل: ۳۶	۳
خطبه ۱۸۴	یوسف: ۴۷؛ ۴۸؛ ۴۹	۴
نامه ۴۵		۵
خطبه ۱۵؛ نامه ۲۰	حفظ بیت‌المال (نگهداری صحیح امکانات و تجهیزات)	۵
نامه ۲۱	پرهیز از اسراف	۷
نامه ۲۱	مصرف صحیح اموال و امکانات	۸
نامه ۲۱	رعایت صرفه‌جویی در مصرف و بهره‌وری	۹

نتیجه

گردش نخبگان یکی از مباحث قدیمی در نوشته‌های مربوط به ثبات و بی‌ثباتی سیاسی است. این مقاله با ورود به گفتارهای مختلف، به این نکته پرداخت که با توجه به جایگاه نخبگان در رقم زدن سرنوشت نظام‌های سیاسی، هرگونه نظامی به نخبگان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارای سنخیت هویتی و عقیدتی ویژه‌ای نیاز دارد تا بتواند ثبات را حفظ و زمینه‌های رشد و پیشرفت خود را فراهم کند.

بر این اساس، ابتدا یک الگوی مفهومی طرح‌ریزی و سپس در نمودار ۲، هشت مرحله لازم برای اجرایی کردن این الگو بیان شد و در انتها شاخص‌های شایستگی نخبگان در حیطه‌های

اعتقادی و معنوی، شخصیتی، مدیریتی و مالی و اقتصادی با استفاده از منابع اصیل اسلامی و نیز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استخراج شد. بر مبنای مباحث مطرح شده در این نوشته، گردش نخبگان شایسته در نظام جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین عنصر هموارکننده راه ثبات سیاسی خواهد بود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم (۱۳۸۲)، ترجمه الهی قمش‌ای، قم: انتشارات فاطمه زهرا (س).
۲. نهج البلاغه (۱۳۸۶)، ترجمه سید کاظم ارفع، تهران: فیض کاشانی.
۳. نهج البلاغه (۱۳۶۱)، ترجمه محسن فارسی، تهران: سپهر.
۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱)، مشاهده شده در www.maslaht.ir.
۵. خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۲)، رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۶. ساندرز، دیوید (۱۳۹۰)، الگوهای بی‌ثباتی سیاسی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۸۷)، منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی